

## عنوان مقاله:

جایگاه و خواستگاه نخبگان سیاسی و فکری در ایران میان دو انقلاب [از انقلاب مشروطه ۱۲۸۵ تا انقلاب سال ۱۳۵۷ ه.ش] و نقش حاکمیت [دربار] در آن

## محل انتشار:

مجله مطالعات جامعه شناسی، دوره 3، شماره 9 (سال: 1390)

تعداد صفحات اصل مقاله: 21

## نویسندگان:

امیر خوشحال - کارشناسی ارشد پژوهشگری علوم اجتماعی دانشگاه آزاد واحد خلخال - ایران (نویسنده مسئول).

صمد عابدینی - استاد مشاور. عضو هیات علمی دانشگاه آزاد واحد خلخال، تهران، ایران

## خلاصه مقاله:

منظور ما از این نوشته آن است که جایگاه و خواستگاه نخبگان فکری و سیاسی در هفتاد ساله بعد از مشروطه چه به صورت رسمی و چه به صورت غیررسمی و نقش قدرت حاکم در این جایگاه را با استفاده از روش تطبیقی- تاریخی و از راه گردآوری اطلاعات از راه منابع دست اول و دوم بررسی و مورد کنکاش قرار دهیم؟ توضیح این که در سیر تحولات اجتماعی جامعه ما در ایران بین دو انقلاب چون جامعه ما استبدادزده و عقب افتاده و عشیره [ایلیاتی] بود که در آن شاه با محارمش همه کاره بودند و مردم نیز بیسواد و توده وار، و نخبگان آن نیز متأثر از این دو، اما با وجود این در اواخر قرن نوزدهم میلادی ظلم بر مردم توسط حکام ولایات شدت گرفته و ورود کالاهای خارجی کالاهای تولید داخل را از رونق انداخته بود، امتیازهای اقتصادی به خارجیان بسیار زیاد شده، سفرهای پر خرج پادشاهان به فرنگ افزایش یافته و موارد دیگر، زمینه را برای بروز بحران فکری در ذهن نخبگان جامعه فراهم کرد تا جایی که بالاخره منجر به پیدایش انقلاب مشروطیت در ایران شد. به طور کلی جایگاه و خواستگاه نخبگان در دوران هفتاد ساله مشروطه: ۱. اکثر نخبگان حاکم از طبقه فرادست و وابسته به دربار و از افراد مورد اعتماد دربار بودند. ۲. اکثر نخبگان این دوره (به خصوص نمایندگان مجلس) از مالکان و کارمندان دولت [دیوان سالاران] و بعد روحانیون بودند. ۳. اکثر نخبگان ابزاری و تا حدودی فکری منابع شان از مالکیت بر زمین بوده است. ۴. اکثر نخبگان فکری و ابزاری در این دوران در جمعیت سیاسی فراماسونری عضو بودند و ...

## کلمات کلیدی:

نخبگان، جایگاه نخبگان ابزاری [حاکم]، نخبگان فکری [غیرحاکم]، انقلاب مشروطیت، توده ها، دربار

## لینک ثابت مقاله در پایگاه سیویلیکا:

<https://civilica.com/doc/1736123>

